

# چرا پر خاشگری رواج یافته است؟

به دلیل نهادینه نشدن فرهنگ گفت و گو، خشونت به راه‌حلی برای رفع تنش‌ها تبدیل شده است

امین جلالوند / گروه جامعه

پلیس هست، قانون هم هست، اما جالب است که در بسیاری از تصادف‌های رانندگی در ایران، شاهد پر خاشگری، فریاد زدن و حتی درگیری فیزیکی بین رانندگان هستیم.

نه تنها در فرهنگ رانندگی، بلکه در بسیاری از مراده‌های روزمره بین مردم هم شاهد پر خاشگری در جامعه هستیم. کارمندی بر سر ارباب رجوع فریاد می‌زند، ارباب رجوع از کوره در می‌رود، خریداری بر سر قیمت‌ها با فروشنده درگیر می‌شود و بی‌شمار از این‌گونه صحنه‌هایی که دیگر برایمان تکراری شده، گواه روشنی از گسترش پر خاشگری و نابرداری در جامعه است.

پایین آمدن آستانه تحمل و صبر مردم، جدای از آن که خشونت را ظاهراً به ابزاری برای رفع بحران‌ها تبدیل می‌کند، تبعات بسیار سنگینی را هم به جامعه تحمیل خواهد کرد؛ تبعاتی که هم آرامش روانی و هم فضای تولید کار و اندیشه در جامعه را با اختلال جدی مواجه می‌کند.

■ **به گفت‌وگو عادت نکرده‌ایم**

خشونت را شاید بتوان ساده‌ترین و در عین حال سخت‌ترین راه برای رفع یک مشکل دانست؛ ساده از آن جهت که خشونت یک راه حل دم‌دستی برای رفع تنش است که انتخابش خیلی هنر و دقت نمی‌خواهد و سخت از آن جهت که انتخاب خشونت، پیامدهای سوئی برای انتخاب‌کننده‌اش به همراه می‌آورد.

محمد ناصحی، جامعه‌شناس و پژوهشگر اجتماعی در گفت‌وگو با جام‌جم تاکید می‌کند که انتخاب خشونت، با نهادینه نشدن فرهنگ گفت‌وگو در جامعه رابطه مستقیم دارد.

وی می‌گوید: هر چقدر مشکلات جامعه پیچیده‌تر می‌شود، انتخاب راه‌حل‌ها برای رفع مشکلات هم سخت‌تر می‌شود، اما بشر امروزی با آزمون و خطا دریافته است که حتی می‌تواند سخت‌ترین چالش‌ها و تنش‌های بین خودش و دیگران را با گفت‌وگو حل کند.

ناصرحی با بیان این که نهادینه شدن فرهنگ گفت‌وگو فرآیند کوتاه مدتی نیست، عنوان می‌کند: باید بپذیریم که جامعه ایران با نظام‌های سلطنتی هزاران ساله خو گرفته است و روند حل تنش‌ها هم معمولاً به این شکل بوده که هر کسی که قوی‌تر بوده و نفوذ بیشتری داشته، با زور و ارباب فرد مقابلش را مغلوب کرده است و در واقع با بهره‌گیری از خشونت تلاش کرده که چالش‌های بین خودش و دیگران را حل کرده است.

**نکته**

**فرهنگ‌سازی و آموزش**

**از طریق نهادهای**

**فرهنگ‌سازی**

**همچون رسانه‌ها باید**

**در اولویت رفع بحران**

**گسترش پر خاشگری**

**در جامعه باشد، اما در**

**جامعه ما روند مقابله**

**با این پدیده مذموم**

**انسجام و مدیریت خاصی ندارد**



وی اضافه می‌کند: با چنین سابقه

تاریخی طولانی، بدیهی است

که فرهنگ گفت‌وگو برای رفع

تنش‌ها جایی نداشته و در حقیقت، فن گفت‌وگو برای

رفع سوء تفاهم‌ها، جایگاه اصلی خودش را پیدا نکرده است؛ روندی که تا امروز هم کم و بیش در بین مردم دیده می‌شود.

■ **پر خاشگری را افتخار می‌دانیم**

وقتی هنوز هم داستان دعو‌ها و کتک کاری‌هایمان می‌تواند تا ساعت‌ها شنونده‌ها را مجذوب خود کند و حتی گاهی تحسین حضار را هم برانگیزد، به این معناست که هنوز هم خشونت‌ورزی و بی‌تابی، پدیده‌ای محسوب می‌شود که قبح اجتماعی چندان‌ی به خود نگرفته است.

ناصرحی می‌گوید: وقتی خشونت‌ورزی در جامعه‌ای به یک ارزش تبدیل می‌شود، در آن شرایط است که زنگ خطر در روابط اجتماعی به صدا در می‌آید؛ حتی در بسیاری از فیلم‌ها مشاهده می‌کنید که قهرمان داستان با خشونت کارهایش را جلو می‌برد و جالب است که بسیاری از بینندگان نیز در پایان فیلم با قهرمان داستان هم ذات‌پنداری می‌کنند.

وی می‌افزاید: خشونت اکتسابی است و نباید تصور شود که پر خاشگری در ذات فردی وجود دارد و در ذات فرد دیگری وجود ندارد؛ یعنی می‌توان گفت گرچه برخی عوامل هورمونی موجب شده که مثلاً خانم‌ها از لحاظ ژنتیکی آرام‌تر از مردان باشند، اما نقش تربیت خانوادگی، دایره دوستان و محیط‌هایی که فرد در آنجا رفت و آمد دارد، بسیار مهم‌تر از عوامل ژنتیکی بروز خشونت است.

این پژوهشگر مسائل اجتماعی با بیان این که

بروز اعمال پر خاشگرانه می‌شوند.

این جامعه‌شناس، وظیفه دولت در کنترل پر خاشگری را بسیار مهم ارزیابی می‌کند و می‌گوید: این یک مکانیسم طبیعی است که هر فردی در برابر مشکلات زندگی، عکس‌عملی واکنشی داشته باشد و سعی کند که مشککش را به هر طریق ممکن حل کند، اما بسیاری از افراد کم‌بضاعت، با انجام اعمال پر خاشگرانه، درواقع به دنبال راه‌حلی برای تخلیه ناراحتی‌های مالی خود هستند که در چنین وضعی مطمئن باشید حمایت مالی دولت از این افراد، در کاهش سطح خشونت‌ها موثر خواهد بود.

■ **مجازات پر خاشگران؛ آخرین گام کنترل خشونت**

بدیهی است که برای کنترل پدیده‌های اجتماعی مثل خشونت، راه‌حل‌های قهری جواب نمی‌دهد و مجازات پر خاشگرانی که به‌منافع عمومی صدمه می‌زند، باید به عنوان راه‌حلی پایانی شناخته شود.

اماناصحی بر این عقیده است که ما معمولاً در حوزه برخورد با پر خاشگران، راه‌حل پایانی را به عنوان اولین راه‌حل انتخاب می‌کنیم و در این باره توضیح می‌دهد: فرهنگ‌سازی و آموزش از طریق نهادهای فرهنگ‌سازی همچون رسانه‌ها باید در اولویت رفع بحران گسترش پر خاشگری در جامعه باشد، اما در جامعه ما روند مقابله با این پدیده مذموم، انسجام و مدیریت خاصی ندارد.

این پژوهشگر علوم اجتماعی عنوان می‌کند: برای مقابله با گسترش پر خاشگری در جامعه باید ابتدا از خانواده‌ها شروع کنیم و در صورتی که بتوانیم با آموزش عمومی، پر خاشگری در کانون خانواده‌ها را کنترل کنیم، آنگاه در آن شرایط می‌توانیم برای افرادی که با پر خاشگری به منافع مردم آسیب می‌زنند، تنبیه‌های معقولی در نظر بگیریم، اما تا وقتی به این مرحله نرسیده‌ایم، نباید راه‌حل پایانی را همان ابتدای کار اجرا کنیم.

اگرچه گسترش پر خاشگری و ناشکیبایی مردم با سبک زندگی‌های پراسترس در شهرهای بزرگ هم رابطه دارد، اما حتی عواملی همچون گسترش ناوگان حمل و نقل عمومی، مدیریت ترافیک معابر، ایجاد فضای سبز و زیباسازی محیط‌های شهری هم می‌تواند به عنوان فاکتورهایی آرامبخش در کنترل مساله پر خاشگری نقش موثر داشته باشد.

داشتن یک بدهی مالی غمگین می‌شویم و با کسب یک جایزه مالی ویژه، خوشحال می‌شویم. ناصحی معتقد است که بین سطح خشونت و پر خاشگری افراد و اوضاع مالی آنان نسبت معناداری وجود دارد.

وی توضیح می‌دهد: البته رابطه بین پر خاشگری و سطح مالی به این معنا نیست که هر فردی که وضع مالی خوبی نداشت، پر خاشگر می‌شود، بلکه بدین معناست که هر چقدر سطح مالی افراد پایین باشد و توان اداره کردن زندگی برایشان سخت شود، به همان میزان نیز مستعد

نباید ضدارزش به یک ارزش در جامعه تبدیل شود، خاطر نشان می‌کند: خشونت یک ضدارزش است که می‌تواند بنیان خانواده و جامعه را متزلزل کند، اما سوء تفاهمی که در جامعه رواج پیدا کرده این است که گاهی مردم نمی‌توانند بین شجاعت و خشونت تفاوت قائل شوند، زیرا هر گونه خشونت‌ی به معنای شجاعت نیست و اصلاً خیلی اوقات شجاعت نیازی به خشونت ندارد.

■ **تاثیر اوضاع مالی در کاهش پر خاشگری**

چه بخواهیم و چه نخواهیم، اوضاع مالی ما نقش بسیار پررنگی در کنترل عواطفمان دارد؛ طوری که معمولاً با

**جدول عادی**

**افقی: ۱ - کتاب حضرت**

**عیسی(ع) - همانندی - عدل و**

**انصاف ۲ - چنین باری به منزل**

**نمی‌رسد - صفت هریک از آیه‌های**

**قرآن - هر طبقه ساختمان را به**

**دیگری وصل می‌کند ۳ - ثروتمند**

**شدن - ریشخند - سقف فرو ریخته**

**۴ - رهسپار - نیم‌تنه مستانی - ابر**

**نزدیک زمین ۵ - الفت - فلزی**

**شکننده - درختی با برگ‌های**

**پنجه‌ای ۶ - ضعف و سستی - نوع**

**تفکر و بینش - مارک تجاری ۷ -**

**آمار - با تخت کلاس - گناه**

## جدول شماره ۳۴۹۱/ بیژن گورانی

|    | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ | ۶ | ۷ | ۸ | ۹ | ۱۰ | ۱۱ | ۱۲ | ۱۳ | ۱۴ | ۱۵ |
|----|---|---|---|---|---|---|---|---|---|----|----|----|----|----|----|
| ۱  |   |   |   |   |   |   |   |   |   |    |    |    |    |    |    |
| ۲  |   |   |   |   |   |   |   |   |   |    |    |    |    |    |    |
| ۳  |   |   |   |   |   |   |   |   |   |    |    |    |    |    |    |
| ۴  |   |   |   |   |   |   |   |   |   |    |    |    |    |    |    |
| ۵  |   |   |   |   |   |   |   |   |   |    |    |    |    |    |    |
| ۶  |   |   |   |   |   |   |   |   |   |    |    |    |    |    |    |
| ۷  |   |   |   |   |   |   |   |   |   |    |    |    |    |    |    |
| ۸  |   |   |   |   |   |   |   |   |   |    |    |    |    |    |    |
| ۹  |   |   |   |   |   |   |   |   |   |    |    |    |    |    |    |
| ۱۰ |   |   |   |   |   |   |   |   |   |    |    |    |    |    |    |

نفسانی ۶- سیب آذری- حسابدار

- خشکسالی ۷- دقیق و کامل-

کار دشوار -بدنی ۸- اندام تنفسی

ماهی- سفیر- ابر آسمان ۹- از

آلات موسیقی- هیاهوی مردم

در شادی- تکرار حرفی از الفبا

۱۰- چیرگی- بی‌بند و باری- مخترع

پیل الکتریکی ۱۱- لازم و ضروری-

یاقوت - رشد ۱۲- پوستین - لگام،

افسار- قصد و عزیمت ۱۳- پاسخ

- گندیده و بدبو- مربوط به شهر

۱۴- آخرین نبرد ناپلئون بناپارت -

گوشه‌ای در آواز بیات ترک -مخفف

اگ ۱۵- نخستین جنگ مسلمانان با